

سازمان سیا، قاچاق مواد مخدر و تروریسم

گزینش و برگردان: دکتر احمد سیف

دار و دسته سرهنگ او لیور نورث، با توافق قبلی صاحبان هواپیماهای خصوصی،

این هواپیماها را می‌دزدیدند تا از آنها برای حمل مواد مخدر استفاده کنند

حال که به قید ضمانت آزاد بود، توانست با فرار از کستاریکا، در آمریکا، کشوری که در آن متولد شده بود و بعلاوه کشوری که مدعی است قاچاقچیان مواد مخدر را به هیچ قیمتی تحمل نمی‌کند، پناه جوید. می‌خواهند باور کنیم که در آمریکا جنگی تمام عیار علیه مواد مخدر و "نفرتی جدی از تروریسم" در جریان است. حال به روزنامه نگاران گفت که حاضر است برای اثبات بی‌گناهی خویش به کستاریکا بازگردد و حتی با سازمان عفو بین‌المللی هم تماس گرفته و علیه آزار و اذیت خویش شکایت کرده است. شماری از نمایندگان کنگره آمریکا ضمن تماس سریع با رئیس جمهور کستاریکا از او خواستند که مسئله حال را آن‌گونه رسیدگی کنند که باعث پیچیدگی مناسبات بین آمریکا و کستاریکا نشود. آیا می‌توان انتظار داشت که حال برای اثبات بی‌گناهی خویش به زودی به کستاریکا بازگردد؟ به نظر روزنامه نگار انگلیسی، سوزی مورگان که یکی از زخمی‌شدگان بمب‌گذاری لاپنسا است، پاسخ به این پرسش منفی است. به نظر او سازمان سیا نمی‌تواند بپذیرد که حال در دادگاه حاضر شده و مورد بازخواست قرار بگیرد. تنها راه ممکن برای این سازمان کشتن حال است. خودسوزی مورگان پس از چهار سال که در تعقیب حال بوده است، قضیه را ناتمام گذارد. دیگران هم کوشیدند ولی علاوه بر روبروشدن با موانع بسیار، به مرگ تهدید شدند و حتی یکی از وابستگان حال که پذیرفت اطلاعاتی در اختیار بگذارد در مزرعه حال به قتل رسید.

موسسه کریستیک زیر ضربه

یکی از سازمان‌هایی که بنظر می‌رسد بتواند حال را تحت فشار بگذارد، موسسه کریستیک بود.

از تولیدکنندگان تریاک، یعنی ناسیونالیست‌های چینی در "مثلث طلایی" (Golden Triangle) زمینه‌ساز شیوع مصرف هروئین در آمریکا شد. حتی در سال‌های ۱۹۵۰ سازمان سیا با سندیکاهای کورسیکائی که از طریق بندر ماریسی به قاچاق مواد مخدر مشغول بودند به وحدت رسید. چون آنها توانسته بودند دامنه نفوذ کمونیست‌ها را در میان کارگران بندری کاهش بدهند.



نمونه‌های دیگری از این دست همکاری‌ها شامل همکاری با چریک‌های مجاهدین افغانی و مانوئل نوریه گا میشود. نوریه گا در ارسال مواد مخدر به آمریکا و تحویل اسلحه به کونترها نقش موثری داشت.

در حالیکه کشورهای قدرتمند غربی بر تقاضای خود مبنی بر تحویل دو شهروند لیبیائی که متهم به بمب‌گذاری (در هواپیمای پان امریکن) هستند، پافشاری می‌کنند، تقاضای دیگری هم برای تحویل یک متهم در جریان است که در مطبوعات انعکاسی نداشته است. کستاریکا می‌کوشد تا یکی از شهروندهای خود را بر اساس گزارشی که دولت از فعالیت‌های او منتشر کرده است، برای محاکمه فرابخواند. جان هال، از سوی کستاریکا به قتل، قاچاق مواد مخدر و فعالیت‌های دشمنانه علیه نیکاراگوئه از داخل کشور و در نتیجه زیر پا گذاشتن بی‌طرفی کستاریکا، متهم شده است. جان هال یکی از طرفداران پروپاقرص "کونترآ"ها در طول جنگ آمریکا علیه نیکاراگوئه بود. حتی گفته می‌شود که بمب‌گذاری در مصاحبه مطبوعاتی ایدن پاستورا، تنها رهبر کونترا که حاضر نشد برای سازمان سیا فعالیت کند، در لاپنسا (La penca) نیز از کارهای جان هال بوده است. در انفجار آن بمب، پنج تن کشته و ۲۰ تن دیگر مجروح شدند (ارقام مختلفی از کشتگان و مجروحان این واقعه گزارش شده است). حتی یکی از رهبران قاچاقچیان کلمبیائی به نام کارلوس لهدر (Lehder) در مصاحبه‌ای با برنامه اخبار ABC جان هال را متهم کرده است که از مزرعه اش در کستاریکا ۳۰ تن کوکائین به آمریکا قاچاق می‌کند. در آن مزرعه فرودگاهی وجود دارد که یکی از حلقه‌های اساسی شبکه موادرسازی به کونترهاست.

عملیات مخفیانه‌ای که با درآمدهای فروش کوکائین تامین مالی می‌شود، تاریخچه ویژه‌ای دارد. در سال‌های ۱۹۶۰ حمایت‌های سازمان سیا

این موسسه یک موسسه حقوقی است که به وکالت از سوی دو روزنامه نگار آمریکایی که در بمب گذاری لاپنسانزخمی شده بودند، هال و ۲۸ تن دیگر را به دادگاه کشاند. شکایت بر این مبنای بود که یک تشکیلات بزهدار از طریق پایگاههای کونترها در آمریکای مرکزی به قاچاق مواد مخدر و اسلحه مبادرت ورزیده است و به ویژه بخش عمده مواد مخدر مصرفی در آمریکا را تامین می کند.

در طول این محاکمه اما، نظام قضائی آمریکا کوشید موسسه کریستیک را سرچایش بنشانند. او لا اجازه نداد محاکمه با حضور هیئت منصفه انجام گیرد. بعلاوه در یک حرکت بی سابقه و بانگیزه سیاسی، معافیت مالیاتی موسسه را لغو کرد و موسسه را به پرداخت هزینه محاکمات و جریمه ای معادل ۷۷ میلیون دلار محکوم کرد که ممکن است موجب ورشکستگی موسسه بشود.

لئونارد شورتر که رئیس انجمن وکلای امریکا است، اقدامات گوناگون نظام قضائی علیه موسسه کریستیک را "شرم آورترین تهاجم علیه ناراضیان از وضع موجود و یک استبداد حقوقی" خواند. شورتر، مانند دیگران از پی آمدها واهمه دارد. آمریکای بنگاه سالار مصمم است که قاضی ها را به صورت ایدئولوگهایی در آورد که برنامه این بنگاهها را پیاده می کنند. بخشی از این برنامه این است که توانائی مردم را برای رسیدن به عدل و عدالت به حداقل برساند. آمریکای بنگاه سالار می کوشد تعداد شکایاتی را که از عملکرد آنها و یا از سوء استفاده های دولت فدرال می شود کاهش بدهد... اگر شما مقوله ای بزرگ را به پرسش بگیرید در آن صورت خودتان را با خطر جدی روبرو می کنید. خطر ورشکستگی، خطر اینکه شما را از حرفه تان بیرون کنند. این نمونه ای از واهمه ای است که برخورد با موسسه کریستیک به آن دامن زده است."

بعضی از کسانی که با موسسه همدردی می کنند، معتقدند که بخشی از گناه به گردن موسسه است که دامنه قضایا را بسیار گسترده گرفت و در مواردی اسناد و شواهدی را که هنوز کامل نشده بودند، به دادگاه عرضه کرد. از آن گذشته، به "تئوری توطئه" و حتی در مواردی بی اساس و بی فایده توسل جست و به همین دلیل کارشان بسیار دشوار شد.

موسسه کریستیک اما تاریخچه پرافتخاری از درگیری های حقوقی برای دفاع از منافع عمومی

دارد. برای نمونه، در شکایت موفق کارن سیلکود علیه موسسه اتمی کرمک گی، کریستیک نقش موثری ایفاء کرد. هم چنین در موارد متعدد دیگر که جامعه سیاهان در جنوب آمریکا برای دفاع از حقوق خود شکایت کردند، موسسه به وکالت آنها اقدامات موثری انجام داد. اما به نظر می رسد که این بار موسسه لقمه را بسی بزرگتر از دهان خود برداشت و با کاخ سفید، سازمان سیا و حتی قوه قضائیه که بررسی سازمان FBI را علیه قاچاق هروئین بوسیله کونترها متوقف نمود، درافتاد. بعید نیست این بار موسسه نتواند امید طرفداران خود را بر آورد. این طرفداران از جمله شامل جسی جکسون و بروس اسپرینگستین می شود. علت

در تمام مدتی که کلینتون

همه کاره ایالت آرکانزاس بود،

یک فرودگاه پرت افتاده این

ایالت، مرکز ورود و خروج

مواد مخدر و اسلحه قاچاق بود.

شب ها هر ۵ دقیقه،

یک هواپیما در این فرودگاه

به زمین می نشست

شکست، اگر موسسه مغلوب شود، ترکیبی از بی تجربه گی و بدکرداری قابل توجه دولتی است. هال هم چنان به عنوان فردی آزاد در امریکا مخفی شده است. موسسه کریستیک تاکنون توانسته است با فروش اموال غیر منقول، اخراج کارمندان و جمع آوری سخاوتمندانه اعانه عمومی برای پرداخت جریمه ۷۷ میلیون دلاری دوام بیاورد. دولت امریکارسمابه تقاضای عودت دادن هال به کستاریکا جواب رد نداده است ولی دلیلی هم وجود ندارد که با تقاضا برای عودت دادن او موافقت کند.

پنهان کاری کلینتون درباره کواکین

یک فرودگاه کوچک در منا، در ایالت آرکانزاس (ایالتی که کلینتون قبل از رئیس جمهوری همه کاره آن بود - مترجم) مرکز عمده فعالیت های شبکه ای

بود که به قاچاق مواد مخدر و اسلحه برای کونترها مشغول بود. در بحبوحه قضایا هر ۵ دقیقه یک هواپیما در شب و با چراغ خاموش در این فرودگاه فرود می آمد. بیل الکساندر که از سوی دموکراتها در کنگره امریکا نماینده آرکانزاس است، گفت که بخش عمده مواد مخدر به بازارهای آمریکا از طریق این فرودگاه وارد می شده است. با وجود اینکه اسناد و مدارک فراوانی وجود داشت ولی کلینتون بعنوان رئیس کل ایالت آرکانزاس اقدامی برای کمک به دادستان کل ایالت که به بازرسی این اقدامات غیر قانونی مشغول بود، نکرد. بعید نیست کلینتون از عیان شدن اسناد و مدارک بی شماری که برای افشا شدن این عملیات بسیار مفید بودند، جلوگیری کرده باشد. کلینتون در دفاع از خویش مدعی شده است که برای کمک به این بازرسی بودجه ای معادل ۲۵۰۰۰ دلار اختصاص داده است ولی تاکنون سند و شهادی مبنی بر پرداخت چنین پولی به کسی به دست نیامده است.

رفتار کلینتون باعث شد که بعضی ها به این که او در گذشته با سازمان سیادر ارتباط بوده است، مشکوک شوند. حتی گفته می شود که با کمک سازمان سیا بود که کلینتون مانند شماری دیگر بورسیه رودز (در دانشگاه اکسفورد انگلستان) را به دست آورد. یکی از کسانی که همراه کلینتون بورسیه رودز بود یعنی سرهنگ رابرت ارل، بعدها دستیار اولیور نورث شد. همه می دانند که کلینتون اعضای گارد ملی خود را برای مانور به هندوراس فرستاد که در عمل به صورت حرکتی در حمایت از کونترها درآمد. کلینتون هم چنین به کوانترهای صاحب نامی چون ادلفوکالرو و برادرش و هم چنین به حامیان آمریکایی کونترها مثل ژنرال جان سینگلاب (Singlaub) مدال افتخاری (Arkansas Traveller) اهدا نمود. یکی از طرفداران پروپاقرص کوانترها به نام لاری نیکلاس از سوی کلینتون در اداره مالیه و توسعه آرکانزاس به کار گمارده شد و این همان شخصی است که پس از اخراج از کار و دادگاهی شدن، روابط کلینتون را با خانم جنیفر فلاورز افشاء کرد و نزدیک بود که مانع از نامزدی کلینتون برای ریاست جمهوری بشود. برادر کلینتون که در دادگاه به خاطر کواکین محکوم شد نیز در این ماجراها درگیر بود. او بعنوان دستیار باری سیل (Seal) که یکی از سازمان دهندگان اصلی

شبکه های کمک رسانی به کونترها و حتی در دوره ای خلبان کارت های کوکائین در مدلین (Medellin) بود، فعالیت می کرده است.

در یک بررسی که در نشریه واشنگتن ریپورت چاپ شد، آمده است: "شواهد زیادی وجود دارد که بوش، کلینتون، سناتور دیوید پریپور (از ارکانزاس)، سناتور دیل بامیرز (از ارکانزاس) همارا شمیت، شماری از قضات آمریکا، مسئولان ایالت ارکانزاس، موسسات مالی در ارکانزاس از فعالیت های غیر قانونی در فرودگاه منا خبردار بوده اند ولی اجازه دادند این فعالیت ها ادامه داشته باشد."

حلقه انکارشدنی

یکی از مواردی که باعث شد فعالیت های فرودگاه منابه اطلاع عموم برسد، مورد تری رید است که به عنوان یکی از کارگزاران سازمان سیا در ایالت ارکانزاس زندگی می کرد. همین که رید کوشید تا به اقدامات خود برای کمک به عملیات پنهانی از فرودگاه مناپایان بخش از سوی مقامات رسمی در ارکانزاس، از جمله رئیس اداره امنیت کلینتون بنام بادی یانگ علیه او پرونده سازی شد. رید که اکنون از دست مقامات پلیس به دادگاه شکایت کرده است، در دوره ای در شرکت "ایر امریکا" متعلق به سازمان سیا کار می کرد و بعدها به عنوان یک فرد معمولی در شبکه کمک رسانی به کونترها مشغول فعالیت شد. کار او تعمیر هواپیما و تعلیم خلبانان کونتر در فرودگاه منابود. بعدها با اولیور نورث در ارتباط قرار گرفت. نورث از رید خواست تا اجازه دهد هواپیمای کوچکی که متعلق به او بود با یک برنامه از پیش تدوین شده به "سرقت" برود تا بتوان از آن در شبکه کمک رسانی به کونترها استفاده کرد. این سرقت های از پیش طرح ریزی شده از سوی نورث - که "عملیات واگذاری" نام گرفته بود - به او امکان می داد تا با نادیده گرفتن محدودیت های که کنگره آمریکا اعمال می کرد به کمک رسانی به کونترها ادامه بدهد. صاحبان هواپیماها و کشتی های که به این ترتیب به "سرقت" می رفت از اداره بیمه تقاضای خسارت می کردند و در نتیجه ضرری متوجه آنها نمی شد. رید که به هواپیمایش نیاز داشت حاضر نشد با نورث همکاری کند. ولی چند دقیقه بعد هواپیمایش به جد به سرقت رفت. رید می گوید چند سال بعد

در ۱۹۸۵ یکی از دوستانش که با هم در "ایر امریکا" کار می کردند به او گفت که هواپیمایش برای استفاده در "عملیات واگذاری" برای اولیور نورث به سرقت رفت. در اواسط ۱۹۸۶ رید پیشنهاد سازمان سیا را برای اعزام به مکزیک برای گشودن کانال جدیدی برای کمک به کونترها در ازای گرفتن فرصت های تجاری پذیرفت. با این وصف، چند ماه بعد، به ویژه پس از اینکه دوست قدیمی اش ویلیام کوپر در سقوط هواپیما در نیکارگوئه کشته شد، رید به ادامه کاری علاقه شد. تنها فردی که از سقوط هواپیما جان سالم بدر برد در واقع باربر هواپیما بنام اوژین هاسنفوس بود که پایش به مطبوعات باز و موجب شد که بررسی در خصوص قضیه ایران - کونتر آغاز شود.

رید می گوید: "به آنها گفتم که برنامه بزرگی است ولی برنامه ای جدی نیست و نمی خواهم بیش از این درگیر باشم... ما نمی خواهیم به تو صدمه بزنیم - ما فقط می خواهیم دیگر درگیر نباشیم (ولی) همینکه تو چیزی دیده ای، درگیری! گفته می شود که رید یک بار در مخزن هواپیمایی که مورد استفاده او قرار گرفت، تصادفاً به وجود یک تن کوکائین پی برد. رئیسی رید، از جمله دشمن سرسخت کاسترو، فیلیکس رودریگز کوبائی از اینکه او نمی خواست به فعالیت هایش در مکزیک ادامه بدهد، خرسند نبودند. پیش از آنکه رید بفهمد از کدام سو ضربه خورده است، هواپیمای به "سرقت" رفته اش "به طرز محرمانه ای پیدا شد و در آشیانه هواپیمای متعلق به او قرار داده شد. درست در همان موقع یک کارآگاه خصوصی هم حضور داشت. بادی که می وزید در آشیانه را باز کرد و کارآگاه از وجود هواپیما با خبر شد. طولی نکشید که رید و همسرش به اتهام کلاه برداری از اداره بیمه به دادگاه احضار شدند. در پرونده ای که اف. بی. آی برای رید تشکیل داد، رید به عنوان کسی که "مسلح و خطرناک است" توصیف شده است. طولی نکشید که وکلای تسخیری منصوب شده که در ابتدا به رید مشکوک بودند، به خاطر آنچه بر آنها و بر رید گذشت، نظرشان تغییر کرد. یعنی بازرسی منازل، حمله با بمب های آتش ز، تصادف های عمدی و ساختگی که در یکی از این موارد اتوموبیل یکی از وکلا کاملاً منهدم شد.

در نهایت اما، رید از اتهام کلاه برداری از شرکت بیمه تبرئه شد، دلیل این امر آن است که او اعلام داشت رسماً از نورث و رودریگز خواهد

خواست تا به عنوان شاهد در دادگاه حاضر بشوند. گزارش هایی که بوسیله بودی یانگ رئیس امور امنیتی کلینتون در این مورد تهیه شد، اگر چه در ۱۹۸۸ تدوین شد ولی تاریخ آن را به ۱۹۸۷ تغییر دادند. قاضی دادگاه نتیجه گرفت که یانگ و کارآگاه خصوصی که در این خصوص فعالیت می کردند "بی علاقه ای به حقیقت" داشتند. اسناد و شواهد مهمی که ادعاهای رید را ثابت می کرد در خانه قصرمانند کلینتون باقی ماند، در حالیکه طبق قانون می بایست به دادگاه عرضه می شد. در حال حاضر، رید از مقامات ارکانزاس به دادگاه شکایت کرده است که کوشیدند، اگر چه موفق نشدند، برای او پرونده سازی بکنند. رید می گوید:

"در بیش از شش سال، از آن لحظه ای که با این حضرات آشنا شدم تا موقعی که گند کارها در آمد و من بیشتر و بیشتر درگیر شدم، متوجه شدم که اینها در حال ساختن چیزهایی پیرامون من هستند. اگر آنها بخواهند زیر پای کسی را خالی کنند، می توانند، چنانچه با من این چنین کرده اند. تو در واقع آن حلقه انکارشدنی هستی. وقتی به این حضرات در مکزیک گفتم که بروند و گورشان را گم بکنند، آنها مصمم شدند تا زندگی مرا آتش بزنند... این اتهام را این ها برای من تراشیدند..." از سوی دیگر سناتور آلفونس دو ماتو گفته است:

"من بطور مطلق تردید ندارم که بعضی از شاخه های حکومت ما، سازمان سیا و دیگران به دلایل ژئوپلیتیکی مختلف با قاچاقچیان مواد مخدر همکاری و همگامی کرده، آنها را به کار گرفته اند. چنین چیزی مطلقاً قابل تحمل نیست."

برگرفته از Open Eye

(چشم باز)، شماره ۳

پی نوشت:

۱- کونترها نیروهای تحت حمایت آمریکا بودند که در جنگ داخلی نیکارگوئه با ساندنیست ها، به رهبری دانیل اورتگامی جنگیدند. علی رغم کمک های فراوان آمریکا به کونترها آنان موفق به قلع و قمع ساندنیست ها نشدند، بلکه این دانیل اورتگا بود که پذیرفت با این شرط که یک انتخابات عمومی آزاد برگزار شود، ساندنیست ها اسلحه را بر زمین بگذارند و نبرد خود را از مواضع نظامی به مواضع سیاسی منتقل کنند. چنانکه می دانیم چنین هم شد و ساندنیست ها اکنون و زنه سنگینی در حاکمیت نیکارگوئه محسوب می شوند.